

سلسله مباحث اخلاقی

آیت الله موحدی کرمانی

(تواضع)

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا ابوالقاسم محمد(ص) و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين لاسما على بقيه الله في الارضين.

بنده هم، هفته بسیج را تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم همه مادر زمره بسیجیان واقعی باشیم. در جلسات قبل عرض کردم که ما باید سه رابطه را بر اساس موازین اسلامی تنظیم کنیم؛ یکی رابطه با ذات مقدس الهی و دیگری رابطه با مردم و سوم رابطه با خود. در خصوص رابطه با خود عرض کردم که باید در مورد صفات و حالات نفسانی خود بررسی کنیم که بسیار مهم است. حضرت رسول الله(ص) فرمودند «انما بعثت لاتمم مكارم الاخلاق» اصلاً بعثت من برای این است که فضایل اخلاقی را در انسانها کامل کنم. من فکر کردم در این رابطه ما بحثهایی پیرامون همین خلیقات اسلامی داشته باشیم و در جلسه امروز فکر کردم مهم‌ترین اخلاق [خُلُق] اسلامی را مطرح کنم و آن «تواضع» است که نقطه مقابل تکبر است. آیه عجیبی در قرآن است که می‌فرماید: «قِيل ادخلوا ابواب جهنم خالدین فیها و یئس مئوی المتکبرین» (زمر: ۷۲) به جهنمی‌ها خطاب می‌شود وارد آتش شوید و شما در آن خالد خواهید بود، همیشه در جهنم خواهید بود. جایگاه متکبرین جایگاه بدی است! مفسران از این آیه استفاده می‌کنند که ریشه همه گناهان تکبر است. گاهی انسان تکبر بر خالق دارد و گاهی

تکبر بر خلق دارد. تکبر بر خالق به عنوان عصیان است تکبر بر خلق به عنوان خود را برتر دیدن و دنبال عزت بودن هست، این در حالی است که عزت از آن خداست و بس. هر کس در این حریم وارد شود و بخواهد در مسئله عزت با خدا (به تعبیر حضرت امیر المؤمنین (ع) منازعه کند، خرد و حقیر و کوچک می شود. مدخل عرایض من خطبه قاصعه، یکی از خطبات ارزنده و مهم نهج البلاغه است. در این خطبه حضرت امیر المؤمنین (ع) بحث را از ذم تکبر شروع می کند و با مدح تواضع و توصیه هایی که ذات مقدس الهی در این امر دارد ادامه می دهد و نهایتاً خطبه را که خیلی هم طولانی است با مسئله عصبیت و تعصب و اینکه شما مردم زمان من «علی (ع)» گرفتار عصبیت شده اید و از امام خودتان بریده اید و جدا شده و بدبخت شده اید، به پایان می برد. این شروع و ختام این خطبه است. حالا من کلماتی را در شروع این خطبه که مربوط به ارزش تواضع و خطر تکبر است عرض می کنم.

حضرت می فرماید: حمد آن خدایی را که لباس عزت و بزرگی از آن اوست و متعلق به اوست و این عزت و بزرگی نمی تواند به سراغ غیر خدا برود و این عزت فرقگاه است و هر کس هم در این وادی وارد شده از رحمت و لطف خدا دور شده. بعداً فرمود: خداوند با همین تکبر و تواضع فرشتگانش را امتحان کرد تا مشخص و روشن گردد در بین این فرشتگان متواضع کیست و متکبر و مستکبر کیست. می بینید نکته این است، با آنکه اینها خدا را دهها سال و صدها سال عبادت کرده اند، در روایت آمده شیطان شش هزار سال بندگی خدا را کرد و خدا را درست به سر عبودیت می پرستید، ذره ای هم از عبودیت انحراف نداشت. شش هزار سال که حضرت می فرماید، که مشخص هم نیست که این سالهای دنیاست یا آخرت. در این عبادت طولانی مشخص نشد که شیطان مستکبر است! در یک امتحان مشخص شد! می فرماید: خداوند فرشتگان را امتحان کرد تا متواضع و متکبر و مستکبر مشخص بشود و آن امتحان این بود که فرمود: من انسانی را از گل آفریدم، وقتی کامل شد و از روحم در آن دمیدم، همه تان باید بر او سجده کنید، در مقابل این گل، این امتحان سخت است. شیطان در مقابل خدا که عظمت الهی اش مشخص بود، حاضر بود، شش هزار سال هم عبادت کرد، سجده کرد، خضوع کرد، ذره ای هم تخلف نکرد، اما [با خود گفت:] اینجا در مقابل یک مشت گل من سجده کنم؟! این امتحان است، همه سجده

کرده اند جز شیطان که خضوع نکرد و سجده نکرد. گفت من از آتش هستم و آدم از گل است. آتش نور است، گل ظلمت است، وجهی ندارد که من در مقابل او سجده کنم.

در این تعبیر حضرت امیرالمؤمنین بسیار درس و نکته است گاهی بعضی از دستورات الهی حکمتهايش معلوم است شاید همه تسلیم بشوند. بگویند این ضرر دارد، خطر دارد، مثلاً شراب مضر است اگر همه نه، ولی اکثراً به دلیل ضرر، ممکن است شراب نخورند. روزه چیز مفیدی است، بدلیل فایده داشتن روزه را بگیرد. دنبال نماز هستند که چه فایده‌ای بر نماز مترتب است که به آن دلیل نماز بخوانند اما بعضی از امور برای انسان منخفی است، مثلاً به چه دلیل استعمال این ظرف طلا یا نقره حرام است؟ ظرف نقره باشد یا قاشق نقره باشد، به کار گرفتنش حرام است. اینها خضوع می‌خواهد. اینها تعبد می‌خواهد چه بسا خیلی‌ها اگر امام زمان (ص) ظهور بکند تسلیم او باشند، ولی ولی فقیه را مثل امام زمان (ص) زیر بار نمی‌رود. در حالتی که دلیل تسلیم بودن در برابر امام معصوم و ولی امر، یکی است به تعبیر حضرت امام رضوان الله تعالی علیه، ولایت ولی امر تداوم ولایت رسول الله (ص) و ائمه معصومین (ع) است و بالاخره وقتی حکومت اسلامی بود و در رأس حکومت ولی امر بود، اطاعتش لازم است. بعضی‌ها این را حاضر نیستند، اینها امتحان است.

اینجا نکته ظریفی که امیرالمؤمنین (ع) بیان می‌کند این است که می‌فرماید: اگر خداوند اراده می‌کرد و می‌خواست آدم را نه از گل، از نور خلق می‌کرد که وقتی فرشته‌ها به این آدم نورانی نگاه می‌کردند، چشمشان قدرت دید نداشت و آنچنان این وجود نورانی را معطر می‌کرد که همه از عظمت این عطر گیج می‌شدند اگر خداوند آدم را اینجور خلق می‌کرد، همه سجده می‌کردند. شیطان هم سجده می‌کرده، خداوند می‌توانست این کار را بکند. اگر این کار را می‌کرد همه خضوع می‌کردند و امتحان برای فرشتگان آسان بود. اما خداوند امتحان را سخت کرد، نخواست امتحان آسان باشد. وقتی آدم یک موجود نورانی باشد همه خضوع می‌کنند و این سجده ارزش سجده در مقابل گل را ندارد. باز حضرت جملاتی را بیان می‌کند که این بدبخت به واسطه این تکبر مطرود درگاه خدا شد و تمام عمل طولانی او و تمام خدمات طولانی او که شش هزار سال عبادت بود با این یک لحظه تکبر بر باد رفت، همه بر باد رفت. حضرت امیرالمؤمنین (ع) جمله تکان دهنده‌ای دارد که می‌فرماید: بعد از

شیطان چه کسی می‌تواند با این گناه شیطان (یعنی تکبر) جان سالم به در ببرد؟ سالم بمیرد؟ نمی‌شود! خداوند هیچ گناه نمی‌آید بنده‌ای را وارد بهشت کند، با گناهی که با همین گناه موجودی با آن سابقه راز بهشت و رحمت دور کرده است! خیلی مهم است. خیلی باید مراقب بود و دقت کرد. بی‌جهت نیست که می‌فرماید: اگر یک کسی به یک بدبختی بی‌اعتنا بشود که این آدم بدبختی است، یک آدم گمنامی است، یک آدم پابرنه‌ای است، یک آدمی است که در سطح شخصیت‌ها نیست، خیلی پایین‌تر است، اگر (کسی به چنین فرد ضعیفی) اهانت بکند، دو ثلث دینش رفته است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: فرمان خدا و سنت خدا و حکم خدا برای زمینها و آسمانها یکسان است. شیطان با تخلف از این فرمان خدا طرد شد. امکان ندارد با این گناه، انسانی جذب رحمت بشود.

بعد حضرت می‌فرماید (به تعبیر خودمان): خدا با هیچ کس قوم و خویشی ندارد که یک قرقگاه را بر یکی حرام کند و بر دیگری حلال کند! شیطان، تو در این قرقگاه نمی‌توانی وارد بشوی اما آدم، انسان ضعیف که از نطفه خلق شدی، ما به تو اجازه می‌دهیم، تو می‌خواهی وارد بشوی وارد شوی! خوب به من اجازه بدهید که همینجا عرایضم را خاتمه بدهم بحث بسیار دقیقی است بسیار بحث ظریفی است ان شاءالله به شرط حیات در جلسه بعد ادامه می‌دهم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.